

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه به قلم حضرت آية الله الشيخ هادي النجفي

الحمد لله الذي فضل مداد العلماء على دماء الشهداء و الصلاة والسلام على مبلغ الشريعة
الغراء خاتم الأنبياء و المرسلين محمد رسول رب العالمين و علي وصيه علي امير المؤمنين و
اولاده الأئمة الهداة المعصومين.

قال الله تعالى: «فولا نفر من كل فرقة منهم طائفة ليتفقهوا في الدين ولينذروا قومهم اذا رجعوا اليهم
لعلهم يحذرون» (١)

در هر عصری افراد خاصی را خداوند تبارک و تعالی موفق به تفقه در دین می کند و جمعی از
آنها موفق به انذار و تبليغ احكام شرعيه می شوند و بر ابلاغ گروهی از آنها دوری از گناه و عمل
به واجبات مترتب می گردد.

در روایت حماد بن عثمان از امام صادق عليه السلام وارد شده است که: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بَعِيدٍ خَيْرًا فَقَّهَهُ
فِي الدِّينِ» (٢)؛ هر گاه خداوند اراده خیر و خوبی به یکی از بندگان داشته باشد او را فقیه در دین
قرار می دهد.

و در صحیح ابان بن تغلب از امام صادق عليه السلام وارد شده است که فرمود: «لَوَدِدْتُ أَنَّ أَصْحَابِي
ضُرِبَتْ رُؤُوسُهُمْ بِالسَّيَاطِ حَتَّى يَتَفَقَّهُوا» (٣)؛ دوست دارم که اصحاب و یاران من بر سرشان تازیانه
زده شود تا تفقه در دین کنند.

و در صحیح ابی حمزه ثمالی وارد شده است که امام صادق عليه السلام به وی فرمودند: «اغد عالماً
أو متعلماً أو احب أهل العلم ولا تكن رابعاً فتهلك ببغضهم» (٤)؛ عالم باش یا متعلم و دانشجو یا اهل
دانش را دوست مدار و از این سه گروه بیرون نباش که بواسطه بغض آنها هلاک و نابود شوی.

١ - سورة التوبة / ١٢٢.

٢ - الكافي ٣٢/١ ح ٣ - موسوعة احاديث اهل البيت عليهم السلام ٢٤٩/٧ ح ١.

٣ - الكافي ٣١/١ ح ٨ - موسوعة احاديث اهل البيت عليهم السلام ٢٤٨/٧ ح ٧.

٤ - الكافي ٣٤/١ ح ٣ - موسوعة احاديث اهل البيت عليهم السلام ٢٥١/٧ ح ٤.

در معتبرهٔ ابي البختری از امام صادق عليه السلام روایت شده است که فرمودند: «إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ وَذَاكَ إِنْ الْأَنْبِيَاءَ لَمْ يورثوا درهماً و لا ديناراً و إنما اورثوا أحاديث من أحاديثهم فمن أخذ بشيء منها فقد أخذ حظاً وافراً، الحديث^(۱)؛ براستی که علماء و دانشمندان دینی وارثان پیامبران هستند، بدین جهت که پیامبران از خودشان درهم و دیناری به ارث نمی گذارند بلکه میراث آنها احادیث است و هر کس مقداری از احادیث آنها را بتواند بدست آورد، و عمل کند، براستی که نصیب فراوانی را بدست آورده است.»

در صحیحۀ ابي حمزة از امام باقر عليه السلام وارد شده است که فرمودند: «عالمٌ ينتفع بعلمه افضل من سبعين ألف عابد^(۲)؛ عالم و دانشمند دینی که از دانش و فقه او بهره برداری شود برتر از هفتاد هزار عابد است.»

و در روایت معاویة بن عمار آمده است که وی از امام صادق عليه السلام پرسید: «قلت لأبي عبد الله عليه السلام : رجل راوية لحديثكم يبث ذلك في الناس و يشدده في قلوب شيعتكم و لعلّ عابداً من شيعتكم ليست له هذه الرواية أيهما أفضل؟ قال: الراوية لحديثنا يشدّ به قلوب شيعتنا أفضل من ألف عابد^(۳)؛ مردی روایت کننده احادیث و سخنان شما است و آن را در میان مردم و منتشر می کند و قلبهای شیعیاتان را مستحکم می نماید، و شاید عابدی باشد از شیعیان که روایت کننده احادیث نباشد کدامیک از این دو برترند؟ پاسخ فرمودند: کسی که احادیث ما را روایت می کند و بوسیله آن جانها و قلبهای شیعیان ما را مستحکم می نماید او برتر از هزار عابد است.»

و در روایت برادر دعبل از امام رضا عليه السلام از پدرانشان عليهم السلام از امیرالمؤمنین عليه السلام وارد شده است که فرمودند: «فقيه واحد أشدّ علی إبليس من ألف عابد^(۴)؛ تحمل یک فقیه بر ابلیس بسیار سخت تر است از تحمل هزار عابد.»

۱ - الكافي ۱/۳۲ ح ۲ - موسوعة احاديث اهل البيت عليهم السلام ۷/۲۶۴ ح ۱

۲ - الكافي ۱/۳۳ ح ۸ - موسوعة احاديث اهل البيت عليهم السلام ۷/۲۶۴ ح ۳

۳ - الكافي ۱/۳۳ ح ۹ - موسوعة احاديث اهل البيت عليهم السلام ۷/۲۶۵ ح ۴

۴ - امالي الطوسي. المجلس الثالث عشر ح ۲۵/۳۶۶ الرقم ۷۷۴ - موسوعة احاديث اهل البيت عليهم السلام ۷/۲۶۶ ح ۹

و در معتبره حفص بن غیاث وارد شده است که امام صادق علیه السلام به وی فرموده‌اند: «مَنْ تَعَلَّمَ العلم و عمل به و عَلَّمَ لَهِ دُعَى فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ عَظِيمًا، فَقِيلَ: تَعَلَّمَ لِلَّهِ و عَمِلَ لِلَّهِ و عَلَّمَ لِلَّهِ (۱)؛ هر کس بخاطر خدا علم و دانش دینی را فرا بگیرد و بدان عمل کند و بخاطر خدا نیز به دیگران تعلیم و آموزش دهد در ملکوت آسمانها به عنوان فردی عظیم و بزرگوار خوانده می‌شود. پس بدین خاطر گفته‌اند: بخاطر خدا یاد بگیرید و برای خدا عمل کنید و بخاطر خداوند به دیگران تعلیم و آموزش دهید.»

و چنین دانشمندان دینی و علمائی وقتی از دنیا می‌روند در روایت ابن ابی عمیر به نقل از برخی از اصحابش از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند: «إِذَا مَاتَ الْمُؤْمِنُ الْفَقِيهَ ثَلَمَ فِي الْإِسْلَامِ ثَلَمَةٌ لَا يَسُدُّهَا شَيْءٌ (۲)؛ هرگاه مؤمن فقیهی بمیرد، در اسلام جایگاه وی همواره خالی است و این فقدان را هیچ چیز نمی‌تواند برطرف کند.»

و مرگ این عالمان دین در نزد ابلیس محبوبتر از مرگ دیگر مؤمنین است چنانچه در صحیحہ سلیمان بن خالد از امام صادق علیه السلام وارد شده است که فرمودند: «مَمَّنْ أَحَدٌ يَمُوتُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَحَبُّ إِلَيَّ إِبْلِيسَ مِنْ مَوْتِ فَقِيهٍ (۳)»

بعد از تذکر به این ده حدیث از احادیث ائمه معصومین علیهم السلام حقیر بین خود و خدای خود شهادت می‌دهم که عالم مخلص و خدوم و نستوه و مروّج و نویسنده توانا و پرتلاش حضرت حجة الاسلام والمسلمین مرحوم آقای حاج شیخ غلامحسین رحیمی اصفهانی قدس سره از مصادیق بارز این احادیث شریفه بود، خداوند وی را باموالیش ائمه معصومین علیهم السلام محشور فرماید. چون این چند صفحه بعنوان مقدمه کتاب ایشان قدس سره منتشر می‌گردد مختصری از شرح حال وی را به سبک و طریق تراجم نگاران، نه به سبک و طریقی که خود ایشان در قسمت اول این کتاب ذکر نموده‌اند، می‌نویسم باشد که ادای دینی به دوستی محبوب محسوب گردد.

۱ - الکافی ۳۵/۱ ح ۶ - موسوعة احادیث اهل البيت علیهم السلام ۲۶۷/۷ ح ۵.

۲ - الکافی ۳۸/۱ ح ۲ - موسوعة احادیث اهل البيت علیهم السلام ۲۷۷/۷ ح ۲.

۳ - الکافی ۳۸/۱ ح ۱ - موسوعة احادیث اهل البيت علیهم السلام ۲۷۷/۷ ح ۱.

شرح حال مؤلف

نام: حاج شیخ غلامحسین رحیمی اصفهانی

نام پدر: حاج غلامعلی، متوفی ۱۳۷۸ ش، مدفون در روستای حاجی آباد نجف آباد.

نام مادر: بیگم شریفی، متوفی ۱۳۶۸ ق، برابر با ۱۳۲۷ ش، مدفون در نجف آباد.

تولد: در سال ۱۳۱۴ هـ ش در روستای حاجی آباد شهرستان نجف آباد استان اصفهان در یک

خانواده مذهبی و کشاورز به دنیا آمد. (۱)

پدرش چون قدری درس علوم دینی خوانده بود ضمن کشاورزی به مردم خواندن قرآن

و ادبیات عربی را آموزش می داد و در تبلیغ و بیان احکام الهی و حل مشکلات مردم نیز

کوشا بود.

۱ - ثمره ازدواج این پدر و مادر ۴ فرزند است:

الف: حجة الاسلام والمسلمین مرحوم آقای حاج شیخ غلامحسین رحیمی قدس سره که شرح ایشان بالتفصیل خواهد آمد.

ب: دختری بنام معصومه خانم (۱۳۲۰ - ۱۳۶۰ ش) که با آقای ابوعلی نجفی ازدواج نمود و در نجف اشرف در جوار

امیرالمؤمنین علی علیه السلام ساکن شد و در زندان بغداد صدام حسین ملعون که به جرم تشیع و ایرانی بودن محبوس بود در

سال ۱۳۶۰ ش دار فانی را وداع کرد و در قبرستان وادی السلام نجف اشرف در خاک آرمید. لازم به یادآوری است که دو

فرزند پسر این بانوی پرهیزگار نیز به همین جرم در زندان بغداد محبوس و معدوم شدند و حتی اثری از قبور آنها نیز

وجود ندارد.

ج: حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ غلامرضا رحیمی (۱۳۲۳ - ۱۳۶۴ ش) ایشان مصداق بارز یک روحانی

بسیار فعال و موفق بود مدتی امامت جمعه در شهر ممسنی و بعد نیز امامت جمعه در شهر ماهشهر را بر عهده داشت، دو

دوره نیز نماینده مردم ماهشهر در مجلس شورای اسلامی شد و در بازگشت از جبهه در راه اندیمشک تصادف کرد و به

صف شهداء پیوست و در گلزار شهدای شهر قم مدفون گردید.

د: حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ عباس رحیمی مولود ۱۳۲۶ ش. ایشان بعد از برادر بزرگ خود امامت جمعه

شهر برازجان را بر عهده گرفتند و یک دوره نیز نماینده مردم این شهر در مجلس شورای اسلامی و پس از آن مدتی نیز

امامت جمعه شهر استهبان را عهده دار بودند و اکنون نیز امام جمعه شهرستان مبارکه اصفهان است. از خداوند تبارک و

تعالی مزید توفیقاتشان را خواستاریم.

اساتید و هجرت به قم

اولین استاد وی، پدرش مرحوم حاج غلامعلی است که خواندن و نوشتن زبان فارسی و قرآن و قسمتی از جامع المقدمات را در زادگاهش تا حدود سن بلوغ از وی آموخته است.

پس از آن در سال ۱۳۲۹ ش در سن ۱۵ سالگی به حوزه علمیه اصفهان جهت تحصیل در علوم دینی وارد می شود و پس از شش ماه توقف در اصفهان به حوزه علمیه قم منتقل می گردد. پس ورود ایشان به قم سال ۱۳۳۰ ش است، ابتداء صرف و نحو و معانی و بیان و منطق را نزد اساتید فن فرا می گیرد. و شروع به دروس سطح می کند در نزد حضرات آیات: شیخ محمد تقی ستوده قزوینی، شیخ مصطفی اعتمادی، شیخ حسین نوری همدانی، شیخ جعفر سبحانی، شیخ محمد رضا صلواتی، شیخ علی پناه اشتهاردی، و سید محمد باقر طباطبائی سلطانی قزوینی؛ و بخاطر استعداد قوی و پشتکار فراوان موفق می شود در کمتر از ده سال مقدمات و سطح را به پایان ببرد.

تفسیر را از محضر مفسر عالیمقدار قرآن کریم علامه آیه الله سید محمد حسین طباطبائی (۱۳۲۱ - ۱۴۰۲ ق) صاحب المیزان استفاده می کند و فلسفه را در درس حضرات آیات: شهید سید مصطفی خمینی (۱۳۴۹ - ۱۳۹۸ ق) و شهید دکتر محمد مفتاح (۱۳۴۷ - ۱۴۰۰ ق) و محمد محمدی گیلانی - مدظله - حاضر می شود و بهره برداری می کند.

پس از پایان سطوح به درس خارج فقه و اصول حاضر می شود، مدت حضور ایشان در بحوث خارج فقه و اصول حدود بیست سال است و اساتید وی در این دروس عبارتند از حضرات آیات عظام و مراجع معظم تقلید:

- حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی (۱۲۹۲ - ۱۳۸۰ ق)، یکسال

- حاج سید محمد محقق داماد یزدی (۱۳۲۳ - ۱۳۸۸ ق) خارج اصول، چند سال

- حاج سید روح الله موسوی خمینی (۱۳۲۰ - ۱۴۰۹ ق) خارج فقه و اصول، چند سال

- سید شهاب الدین مرعشی نجفی (۱۳۱۵ - ۱۴۱۱ ق)، چند سال

- حاج میرزا هاشم آملی (۱۳۲۲ - ۱۴۱۳ ق)، چند سال

- حاج سید محمد رضا گلپایگانی (۱۳۱۶ - ۱۴۱۴ ق) خارج فقه، ۱۹ سال

- حاج شیخ محمد علی اراکی (۱۳۱۲ - ۱۴۱۵ ق)، چند سال
- حاج شیخ مرتضی حائری یزدی (۱۳۳۴ - ۱۴۰۶ ق)، چند سال
- حاج شیخ حسین وحید خراسانی - مدظله - چند سال
- حاج شیخ حسینعلی منتظری نجف آبادی - مدظله -
- حاج شیخ ناصر مکارم شیرازی - مدظله -

فعالتهای اجتماعی و امامت جمعه

تا سال ۱۳۵۸ ش در قم مشغول به تحصیل و تألیف و تدریس بود و قبل از انقلاب یک بار توسط ساواک شاه بازداشت شد و چند بار دیگر نیز پیگیر او بودند که موفق به فرار شد.

در حین تحصیلات موفق به مسافرتهای تبلیغی متعدد و متوالی می‌گردد و یکبار از طرف دفتر امام خمینی قده به خاش بلوچستان مأموریت یک ماهه پیدا می‌کند.

در همین سال ۱۳۵۸ ش در اثر اوضاع آشفته منطقه دشتستان خصوصاً برازجان از طرف دفتر امام خمینی قده مأموریت تبلیغی برای آن منطقه پیدا می‌کند و چون در این تبلیغ موفق بوده است از طرف شخص امام خمینی قده به امام جمعه شهرستان برازجان منصوب می‌گردد بعد از یک سال و نیم که اوضاع منطقه برازجان را مرتب می‌کند به قم باز می‌گردد.

و در شهریور ماه ۱۳۶۰ ش در اثر درخواست روحانیت و اهالی محترم تفرش مجدداً از طرف امام خمینی قده به امامت جمعه شهرستان تفرش منصوب می‌گردد.

پس از این تا پایان عمر یعنی ۲۴ سال تمام شهرستان تفرش واقع در استان مرکزی و وطن دوم وی محسوب می‌گردد و اهالی آن همچون فرزندان برای او عزیز بودند.

شهرستان تفرش از آنجا که تقریباً بن بست محسوب می‌گردد و راه به جایی ندارد و شهرستان کوچکی است اگرچه مردمان بسیار باهوش و نوعاً تحصیل کرده و اهل فکر و اندیشه دارد ولی از نظر اقتصادی محیطی بسته و کوچک است و لذا مورد رغبت واقع نمی‌گردد. و اگر کسانی هم باشند که از تمکن مالی بهره‌ای دارند، از تفرش به تهران مهاجرت کرده و در آنجا

مشغول کار شده‌اند و نهایتاً در تابستان برای بیلاق به موطن خود برمی‌گردند. با همه این احوالات مرحوم آقای رحیمی قَدِّیْهُ ۲۴ سال در تفرش دوام آورد و بگونه‌ای در امر تبلیغ و ترویج شریعت موفق بود که حقیر در زمان حیاتش به دوستان و حتی خود ایشان عرض می‌کردم که: آقای رحیمی از تفرش یک مدینه فاضله ساخته است.

به جز امامت جمعه وی موفق به فعالیتهای اجتماعی متعددی گردید از آن جمله:

- ۱ - تدریس در دانشگاه امیرکبیر و دانشگاه آزاد شهرستان تفرش در سالهای متعدد.
 - ۲ - تأسیس صندوق قرض الحسنه ویژه ازدواج
 - ۳ - تأسیس مکتب زینب علیها السلام:
- شامل بخشهای: عکاسی ویژه بانوان - خیاطی - بافندگی - کارهای دستی - امور فرهنگی - و در جنگ کمک به رزمندگان و....
- ۴ - تشکیل جلسات اخلاق و احکام و عقائد مذهبی در مدارس و ارگانهای دولتی و سپاه و نیروی انتظامی
 - ۵ - تعلیم و ترویج حدیث اهل البيت علیهم السلام در مدارس ابتدائی و راهنمایی و متوسطه، که با پخش اوراق حدیث آنها را تشویق به یادگیری و حفظ آن می‌نمود. و به حافظان حدیث جایزه می‌داد.
 - ۶ - برگزاری مسابقات کتابخوانی در سطح شهرستان
 - ۷ - ترویج فرهنگ حجاب در میان دختران دانش آموز این ترویج در مدارس ابتدائی با هدیه دادن چادر به دختران انجام می‌گرفت.
 - ۸ - امامت جماعت در مدارس
- وی با اینکه امام جمعه بود تقریباً هر روز در یکی از مدارس شهر حاضر می‌شد و نماز جماعت را برای دانش آموزان اقامه می‌نمود.
- ۹ - حضور در جبهه‌های جنگ تحمیلی

وی در طول دوران دفاع مقدس بارها در جبهه‌های غرب و جنوب کشور حضور یافت و

ضمن سخرانی و تبلیغات در جهت افزایش روحیه رزمندگان حضور مؤثر داشت.

۱۰ - ریاست ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر

ستاد احیاء امر به معروف در شهرستان تفرش فقط یک نام نبود بلکه عملاً تحت ارشاد

ایشان موفق به انجام امور متعددی می‌گردد از آن جمله:

- کنترل مراسم تعزیه خوانی که در آن منطقه رواج دارد.

- کنترل مراسم عروسی که از ضوابط شرعی خارج نشود.

- برنامه ریزی جهت ایام نوروز و تابستان که شهر تفرش میزبان افراد زیادی می‌گردد.

۱۱ - منبر رفتن و برای مردم سخن گفتن در تمام ایام سال (تبلیغ دائمی)

او برای مردم سخن می‌گفت و آنها را ارشاد می‌کرد، خصوصاً در ایام محرم و عزاداری امام

حسین علیه السلام که اقامه کننده ماتم حسینی در این شهرستان بود.

و همچنین در ماه رمضان بحث و تفسیر قرآن کریم را برای مردم داشت و در هر فرصتی به

ارشاد و تبلیغ و ترویج مذهب اهل بیت علیهم السلام می‌پرداخت.

چند خاطره

شایسته است در اینجا چند خاطره را از ایشان جهت بهره برداری و استفاده دیگران ذکر نمایم:

الف: تبلیغ در سفر حج

صاحب این قلم این افتخار را داشت که در سه سفر حج تمتع بعنوان معین روحانی در

سالهای ۱۳۷۲ و ۱۳۷۴ و ۱۳۷۶ ش همراه ایشان باشم و همین سفرها موجب آشنائی و

صداقت و صمیمیت بین من و ایشان گردید، در سفر حج تقیّد ایشان را به امر تبلیغ بالعیان

مشاهده می‌کردم. او مقیّد بود که هر روز جلسه تبلیغی و آموزش جهت زائران خانه خدا برگزار

شود. و در هر روز نیز این تقیّد را داشت که هم خودشان سخن بگویند و هم حقیر.

در تواضع نیز کم نظیر بود، وقتی تبحر صاحب این قلم را در مسائل فقهی دید و آزمود، امر

آموزش مسائل حج را به من وا گذاشت و خود به معرفی اماکن و بیان اخلاق سفر پرداخت.

حتی در مواردی که کاروان حج مدینه بعد بود، باز برنامه جلسه تبلیغی هر روز ایشان همچنان ادامه داشت، به من می فرمود: «این سفر یک فرصت استثنائی است و کسانی در این سفر در جلسات ما حاضر می شوند که ممکن است دیگر ما دسترسی به آنها نداشته باشیم و لذا می بایست حداقل هائی از دین و شریعت را برای آنها بیان کنیم».

ب: تبلیغ در سفر زیارتی

آقای رحیمی خود این خاطره را برای من تعریف کرد، فرمود: «در یک سفر زیارتی به کشور سوریه رفته بودم در شهر دمشق خانمی ایرانی جلوی من را گرفت و گفت: فرزندان من در کشور دیگری زندگی می کنند و قدری نسبت به نماز تساهل پیدا کرده اند اگر ممکن است برای آنها یک نوار سخنرانی جهت تحریک و تشویق به نماز تهیه شود بسیار به جا است».

ایشان فرمود: «بعد از درخواست این خانم به بازار دمشق رفتم یک نوار صوتی تهیه کردم، ضبط مدیر هتل را قرض نمودم، در اطاقم نشستم در را به روی خود بستم و یک ساعت در باب اهمیت نماز سخن گفتم و فردای آن روز نوار را به خانم دادم و او بسیار خرسند شد».

شبهه به این خاطره را فرزندشان از قول پدر نقل کردند که در آخرین بهار از عمرش که در بیمارستان شهید چمران (قلب) اصفهان بستری بود خانمی که پسرش نیز در آن بخش بستری بود به دکتر معالج می گوید: «فرزندم مؤمن بوده است و لکن مدتی است که نماز را ترک کرده»، دکتر معالج که دکتر آقای رحیمی نیز بوده است به خانم می گوید در اطاق بغل یک مرد روحانی بزرگ بستری است به ایشان مراجعه کنید، زن بیچاره به آقای رحیمی مراجعه می کند. بنده خود در بیمارستان به عیادت اورفته بودم و می دیدم که راه رفتن برایش مشکل است. اما بعد از شنیدن درخواست مادر، چند روزی در پی به اطاق آن جوان می رود و با او سخن می گوید به گونه ای که بعد از چند روز مادر خبر می آورد که فرزندش مجدداً شروع به خواندن نماز کرده است.

ج: تبلیغ دیگری در بیمارستان

در یکی از سالهای آخر حیاتش - ظاهراً ۱۳۷۶ ش - بعد از بازگشت از سفر حج به علت ناراحتی قلبی در بیمارستان قلب شهید رجائی تهران بستری گردید و در قلبش باطری نصب

کردند، این بستری شدن در ماه محرم و دهه عاشورای حسینی بود.

معظم له که سالها در این ایام در تبلیغ و اقامه ماتم حسینی بود، افسوس می خورد که چگونه امسال دهه عاشوراء در بیمارستان است. اما به یکباره تصمیم گرفت در خود بیمارستان و بخش، اقامه ماتم حسینی کند، لذا شروع به سخنرانی و خواندن روضه و اقامه تعزیه و توسل کرده ابتدا چند نفری در اطاق جمع شدند تا اینکه در روزهای بعد تمام اطاق ایشان و بعداً راهروها از مریض های مختلف و حتی تعدادی از پرسنل بیمارستان پر می شد. یعنی حتی در بیمارستان و حالت مریض نیز تبلیغ را فراموش نکرد.

د: اقامه نماز شب

سه سفر حج که به همراه ایشان بودم، می دیدم که هر شب سحر در مدینه به حرم مطهر نبوی صلی الله علیه و آله جهت اقامه نماز شب و زیارت مشرف می شود و در مکه نیز به مسجد الحرام، و در هر صورت مقید به اقامه نماز شب بود. و حتی اگر شبی را مریض یا خسته بود، در گوشه اطاق نماز شبش را آهسته می خواند.

تأسیس حوزه علمیه امام صادق علیه السلام تفرش

به خوبی به یاد دارم که در یکی از سفرهای حج، از اینکه شهرستان تفرش تقریباً از روحانی خالی شده است شکایت داشت و می فرمود: من به تنهایی از عهده یک شهرستان بر نمی آیم. و تعداد بقیه حضرات آقایان نیز محدود است.

حقیر به ایشان پیشنهاد تأسیس یک مدرسه و حوزه علمیه را نمودم، پیشنهاد را پسندید، سال بعدی که با هم همراه بودیم خبر تأسیس مدرسه را داد. و من از این همه سرعت و پشتکار و فعالیت به وجد آمدم و قرار گذاشت که جهت برقراری شهریه طلاب مدرسه در قم، به همراه ایشان برخی از مراجع معظم تقلید را ملاقات کنیم که چنین نیز شد و شهریه نیز برقرار گردید.

به حق می توان گفت طالبان علم دین برای وی چون فرزندانش عزیز بودند در هر صورت مدرسه علمیه امام صادق علیه السلام تفرش عملاً در حدود سال ۱۳۷۵ ش به همت ایشان و تلاش و کوشش پیگیری وی کار خود را آغاز کرد و الان این مدرسه یکی از مدارس موفق در سطح کشور است.

(۱۳۳۵ - ۱۴۱۱ ق) منتشر شده است.

۱۵ - وظایف والدین و فرزندان در برابر یکدیگر، ۱ جلد رقعی

۱۶ - مرد خسیس، ۱ جلد جیبی

۱۷ - گنجینه نور

توسط انتشارات جامعه مدرسین قم در یک جلد وزیری منتشر شده است.

۱۸ - نماز زیباترین راز و نیاز، ۱ جلد رقعی

۱۹ - آنچه زائران خانه خدا باید بدانند، ۱ جلد رقعی

۲۰ - ایتم در اسلام، ۱ جلد رقعی

۲۱ - سرگذشتهای عبرت‌انگیز از زندگی معتادان، ۱ جلد رقعی

۲۲ - رساله توضیح المسائل ۹ حاشیه

که در دهه ۴۰ ش مکرر به چاپ رسیده است، و در نوع خود کاری ابتکاری و بسیار طاقت فرسا و مشکل محسوب می‌گردد.

۲۳ - اسلام و آزادی

توسط انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در دست نشر است.

۲۴ - رمز خوشبختی، آماده چاپ

۲۵ - خاطرات تلخ و شیرین از دوستی‌ها، آماده چاپ

۲۶ - ترجمه ابواب احکام العشرة کتاب وسائل الشیعة به فارسی، جلد ۱۲ طبع آل البیت (جلد ۸ طبع اسلامیة) مخطوط است.

۲۷ - زندگانی چهارده معصوم علیهم‌السلام

کتاب حاضر است که به ضمیمه زندگی نامه خودنوشت مؤلف که به اصرار جمعی از دوستان آن را تنظیم نموده است در یک مجلد عرضه می‌گردد.

۲۸ - مقالات

از معظم له مقالات متعددی در جرائد و روزنامه‌های مختلف از آن جمله در ندای خاوران منتشر شده است.

ازدواج و فرزندان

در اواخر سال ۱۳۴۰ ش با دختر مرحوم حجة الاسلام حاج شیخ قاسمعلی آیت متوفی ۱۳۵۴ ش و مدفون در تکیه کازرونی تخت فولاد اصفهان ازدواج نمود.

مرحوم حاج شیخ قاسمعلی آیت خود داماد مرحوم آیه الله آقای حاج شیخ محمد حسن عالم نجف آبادی متوفی ۱۳۸۴ ق و مدفون در بقعه تکیه کازرونی و از مدرسین عالی مقام حوزه علمیه اصفهان است که بسیاری از علماء معاصرین در اصفهان سطوح خصوصاً شرح لمعه شهید ثانی را از ایشان استفاده کرده اند و کتابی به نام «فضیلة السیاده» از ایشان منتشر شده است.^(۱)

ثمره این ازدواج ۳ فرزند پسر است به نامهای:

۱ - آقای محمد حسین، متولد سال ۱۳۴۸ ش، لیسانس مدیریت و دبیر پر تلاش آموزش و پرورش

۲ - آقای مهندس محمد حسام متولد ۱۳۵۲ ش، لیسانس برق و مشغول در اداره مخابرات

۳ - آقای قاسم، متولد ۱۳۵۴ ش، لیسانس زبان انگلیسی

که همگی صالح و مؤمن و مشغول به خدمت به جامعه اسلامی هستند.

وفات و مدفن

آقای رحیمی رحمته الله بعد از بیش از نیم قرن که با تمام کوشش و قدرت و سعی وافر خود به تحصیل و تدریس و تألیف و تبلیغ مخلصانه پرداخته بود و بعد از یک کسالت قلبی که خصوصاً ماههای آخر حیات وی را رنج می داد از روز ۱۸ مرداد ماه ۱۳۸۴ در حالیکه قصد عمره مفرده داشت در بیمارستان قلب شهید رجائی تهران بستری شد و در نیمه شب دوشنبه ۲۳ رجب المرجب ۱۴۲۶ برابر با ۷ شهریور ماه ۱۳۸۴ در همان بیمارستان در تهران وفات کرد.

فردای آن روز جنازه مطهر وی حسب الوصیه به شهرستان تفرش که مدت ۲۴ سال تمام در آنجا تبلیغ و ترویج نموده بود منتقل گردید و در صبح روز چهارشنبه ۲۵ رجب که مصادف با

۱ - جهت شرح حال ایشان رجوع گردد به کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان ۲/۵۲۰ از مرحوم سید مصلح الدین مهدوی رحمته الله

سالروز شهادت باب الحوائج الی الله تعالی حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام بود، با تشییع شایسته‌ای که حقیر خود در آن حاضر بودم از امامزاده محمد شهر تفرش تا مدرسه علمیه امام صادق علیه السلام که خود آن را تأسیس نموده بود تشییع شد و در دالان ورودی مدرسه علمیه امام صادق علیه السلام شهر تفرش در قبری که خود از قبل آن را فراهم نموده بود دفن گردید. رحمة الله علیه رحمة واسعة.

در مدت ۲۴ سال اقامت در تفرش وی فقط دو متر زمین تهیه کرد و آن دو متر نیز در دالان ورودی مدرسه جهت قبرش بود.

پس از انتشار خبر ارتحالش از طرف برخی از مراجع معظم تقلید - ادام الله تعالی ظلهم - پیامهای تسلیتی خطاب به بیت آن مرحوم صادر شد که نشان دهنده شخصیت علمی و اجتماعی او در نزد مراجع است. بعنوان نمونه به نقل قسمتی از دو مورد از این پیامهای تسلیت بسنده می‌کنیم:

۱ - در تاریخ ۲۴ رجب ۱۴۲۶ برابر با ۱۳۸۴/۶/۸، مرجعی چنین مرقوم می‌فرمایند:

«باکمال تأسف خبرنگار گوار درگذشت عالم متعهد و روحانی خدمتگزار مرحوم مغفور حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ غلامحسین رحیمی امام جمعه تفرش و ریاست حوزه علمیه آن را دریافت نموده و متأثر شدم.

عالم بزرگواری که عمر خویش را باکمال اخلاص در راه ترویج دین مبین و اسلام عزیز سپری نمود، این جانب این مصیبت رابه حضرت ولی عصر علیه السلام و حوزه علمیه تفرش و مردم حق شناس آن منطقه و خانواده و فرزندان و همه بازماندگان و علاقه‌مندان محترم... تسلیت می‌گوییم.

و از خداوند کریم رحیم برای ایشان رحمت واسعة الهی و حشر با ائمة طاهرین - سلام الله علیهم اجمعین - و برای همه بازماندگان و علاقه‌مندان صبر جمیل و اجر جزیل و سلامت و توفیق خدمت به اسلام عزیز را مسألت می‌نمایم...».

۲ - مرجع دیگری به فرزند بزرگ آن مرحوم در تاریخ ۲۴ رجب المرجب ۱۴۲۶ چنین خطاب کرده‌اند: «رحلت عالم ربانی و محقق صمدانی حضرت آیه الله آقای حاج شیخ غلامحسین رحیمی اصفهانی - رحمة الله علیه - مؤسس حوزه علمیه تفرش که عمر خود را در

راه اعتلای کلمه حق و ترویج مبانی اسلام عزیز و معارف بلند اهل بیت - سلام الله اجمعین - سیری نمودند را به حضرت تعالی و بیت آن مرحوم و مردم شریف تفرش بالأخص حوزه علمیه آن سامان تسلیت و تعزیت گفته، علو درجات آن فقید سعید، و صبر و اجر برای شما را از خداوند متان مسألت می نمایم.

مرثیه و ماده تاریخ وفات

ادیب اریب و شاعر توانا استاد فضل الله خان اعتمادی خوئی متخلص به **برنا** مولود سال ۱۳۰۹ ش. به درخواست حقیر مرثیه و ماده تاریخ وفات آقای رحیمی «ره» را در پیش از سی بیت چنین سروده‌اند:

فاضل نیکو سیر، زاهد حبر فهیم	مُدبر ارجمند، عابد نیک علیم
مطلع نامور ز واقعات جدید	مورخ نامدار ز حادثات قدیم
آل نبی را ز جان شیعه و عبد و مطیع	منافقین را ز دل منکر و ضد و خصیم
با همه اهل علم بود جلیس و انیس	با همه ارباب زهد بود رفیق و ندیم
برای یاری دین شائق و تسلیم محض	برای ایجاد خیر عازم و جدّ قویم
ز باغ اثمار علم بود نهال مفید	ز طرف بستان مهر بود معطر شمیم
ناهی خرد و کلان از روش کجروی	آمر پیر و جوان به مسلک مستقیم
بود بیانش همه همره برهان و عقل	از نعمات بهشت تا به عذاب جحیم
نشد پی کسب جاه پیرو امر شقی	نشد پی اخذ مال تابع میل لثیم
نه هرگز او خویش را کرد گم از آنچه بود	نه پای خود بیش تر کرد دراز از گلیم
نه از پی هوده‌ای برون ز حد گشت او	نه بهر نفعی نمود تجاوزی از حریم
نه از طمع بهر سود چو لام دامن گشود	نه قدّ خود کرد خم پیش کسی همچو میم

نه مشکلی را نمود سهل وی از راه مکر
چون نظرش دائماً بود بلطف خدا
آنکه بجز خوف از خدا و مذهب نداشت
آنکه در ارشاد بود صاحب نرمی خو
آنکه به وقت صلاة برای اهل محل
ز طالبان دروس فحل گلیایگان
شیخ ستوده مرام، زائر بیت الحرام
به اسم و رسم و عمل بود غلام حسین
به شهر تفرش نمود مدرسه‌ای را بنا
برای آموزش تشنه فرهنگ هست
بُود در آن مدرسه مقبره پیکرش
حیات خود کرد طی به طبع و نشر کتب
حدود پنجاه جلد کتاب تألیف کرد
الغرض او چون شنید ارجعی از سوی حق
ز بعد هفتاد سال کرد به عقبا سفر
چهار تاریخ کرد خامه برنا رقم
اولی و دومی به سال شمسی بود
(محب باب حسن بود غلام حسین)
«۱۳۸۴»

نه کرد آسان کس از حسد خود و خیم
شامل وی می شدی لطف خدای کریم
نه از گروهی هراس نه از کسی ترس و بیم
نه اینکه شد خشمگین ز هر صحیح و سقیم
جماعت و جمعه را بود امامی عمیم
که بود تلمیذ خاص و ویژه‌ای ز آن زعیم
ناظر صحن و مقام، طائف رکن و حطیم
چون که به دل داشتی زوی ولائی عظیم
که بر رخ آن محل گشته چو زیبا وسیم
بسان ماء معین بر سر خوان و ادیم
برای تجلیل از آن شخص نبیل خدیم
نه در پی اخذ زر نه در پی کسب سیم
ز روی تحقیق و صدق نی که جزافی جحیم
رفت از این غم سرا جانب دارالنعیم
تا که شود همنشین به اولیای کریم
به حکم طبع روان به امر فکر سلیم
سومی و چارمی با قمری شد ضمیم
(روح رحیمی شدی شاد زحی رحیم)
«۱۳۸۴»

(زاهد تفرش نمود مکان بعدن امان)
«۱۴۲۶»

(رحیمی از لطف حق گشته بمینو مقیم)
«۱۴۲۶»

مصادر شرح حال مؤلف

جهت شرح حال آقای رحیمی می‌توانید به مصادر ذیل مراجعه فرمائید:

۱- شرح حال خود نوشت ایشان در سه صفحه که با خط خود آن را به درخواست حقیر مرقوم فرموده‌اند.

۲- زندگانی خودنوشت مؤلف (قسمت اول کتاب حاضر)

۳- آئینه اهل قلم ص ۵۰ به قلم آقایان: حسنعلی خزائلی و صادق صالحی

۴- سیمای دانشوران نجف آباد ص ۱۰۰ تألیف آقای حسنعلی خزائلی

۵- دانشنامه ائمه جمعه کشور ۳۵۷/۱

۶- مجله آئینه پژوهش، شماره ۹۶، بهمن و اسفند ۱۳۸۴، ص ۹۶ به قلم آقای رحیم قاسمی

۷- فرهنگ ناموران معاصر ایران

عنوان شماره ۱ را بنده جهت درج در این کتاب از ایشان اخذ کردم و علی القاعده شرح حال ایشان در حرف «راء» کتاب درج خواهد شد.

اما کتاب حاضر

شامل دو قسمت است:

اول: بنابر اصرار جمعی از دوستان که اجمال زندگی و مشکلات دوران حیات ایشان را می‌دانستند و از وی خواستند که شرح حال خود را در رساله‌ای تنظیم کند، ایشان مبادرت به تدوین قسمت اول کتاب حاضر نمود.

آنچه در این قسمت می‌بیند به دور از هر نوع خودپرستی و ریا است و تلاش وی بر آموزش و فایده رساندن و درس دادن به دیگران می‌باشد، در این قسمت شما با حوادث زندگی و مشکلات آن و نقش توسل در رفع آنها و الطاف خفیه و غیبیه الهیه در حق وی و اهتمام خاص ایشان به نشر احادیث اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام و احکام الله و کمک و دستگیری به مؤمنین و در یک کلمه تلاش و کوشش خستگی‌ناپذیر و اخلاص در عمل و اهتمام به حفظ آبروی روحانیت را مشاهده می‌کنید.

مطالعه این قسمت کتاب برای همه مردم، خصوصاً طالبان علم و دانش بسیار مفید است و

لذا مطالعه آن را به آنها توصیه می‌نمایم.

دوم: زندگانی چهارده معصوم علیهم‌السلام.

در این فصل ایشان به اختصار زندگانی رسول الله محمد مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله و سیده نساء العالمین فاطمه الزهرا علیها‌السلام و امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه‌السلام و یازده فرزند معصومش علیهم‌السلام را یاد می‌کند.

در هر شرح حالی از این حجت‌های خدا ابتداء: نام، لقب و کنیه، پدر و مادر، زمان ولادت و شهادت و مکان آن، مدت امامت و عمر، نام قاتل و محل دفن و تعداد فرزندان را متذکر می‌گردد. پس از آن نمونه‌هایی از احادیث آن معصوم علیه‌السلام و سخنی در مورد شرایط و اوضاع زمانی آن امام و نمونه‌هایی از فضائل اخلاقی و معجزات آن حضرات را یاد می‌کند و با ذکر تعدادی از اصحاب و خواص برخی از ائمه علیهم‌السلام شرح حال را به پایان می‌برد. این قسمت کتاب نیز مطالعه آن برای همگان مفید است خصوصاً کسانی که می‌خواهند اطلاعات مختصر و اجمالی و گزیده‌ای را به سرعت در مورد چهارده معصوم علیهم‌السلام بدست آورند.

تشکر و قدردانی

در پایان این مقال بر خود لازم می‌دانم از زحمات محقق توانا جناب حجة الاسلام آقای حاج شیخ مهدی باقری - دامت برکاته - که تصحیح و تحقیق متن کتاب را با دقت تمام انجام داده‌اند، تشکر نمایم.

همچنین از فرزندان آن مرحوم که همت بر نشر این اثر نفیس در اولین سالگرد پدرشان نمودند، بویژه جناب آقای مهندس محمد حسام رحیمی - حفظه الله تعالی - که صاحب این قلم را مکلف به نوشتن این مقدمه کردند، قدردانی می‌کنم.

در پایان این مقال از ذات باری تعالی علو درجات و حشر با ائمه معصومین علیهم‌السلام را برای مؤلف قدس خواستارم.

تحریر این مقدمه در پیش از ظهر روز دوشنبه ۱۹ رجب المرجب سال ۱۴۲۷ برابر با ۲۳

مردادماه ۱۳۸۵ به خامه این حقیر هادی النجفی در شهر اصفهان به انجام رسید.

والحمد لله اولاً و آخراً و ظاهرأ و باطنأ و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین.